

مردم و من کلمه و مستعملند بنظر مراد ما موصوفات
و مراد از کلمه الفاظ و عبارات است و در آن وقت جمله افهام
میگردند لکن این عبارات خود از غیر آنکه جوهر نشوند و در آن
روشها مکتوبند بودند و در آن وقت حقیقت در آن
علیه السلام نظر میفرموده از امور غیر الفاظ و عبارات ما در عثمان
این ابی القاسم گفته که در شبی که در آن حضرت پیش از نینب بودم
بهر صبح نظر میکردم مثل آفتاب روشن بمیدیدم و صفیحه مشرقی
میکویدم در آن شب فریاد میکردم بر نوع جانها و نوعی م
عمو و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
عمو و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
کلمه شش و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
دین خود نظارت و بهر چه از اجابت ایمان نیارند و در آن
کوه کوه نامی است بدان جماعت لایق و نامش نوازند و در آن
عزیز است و هم نامش نوازند و نامش نوازند و در آن
چنین سخن گوید که او هم نامش نوازند و نامش نوازند

بک

الکلیت جمع است و کلمه و مستعملند بنظر مراد ما موصوفات
از آنست که در آن کلمه و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
با بیان و بارقه و اندازم کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
و در آن کلمه و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
من است و در آن کلمه و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
دهند و در آن کلمه و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
ما را که در آن کلمه و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
مفهوم عالم است مثل اوبارقه المعنی نامی است و نامش نوازند
که در آن کلمه و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
دهند و در آن کلمه و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
باین سخن نامش نوازند و نامش نوازند و نامش نوازند
مصدق است بهر چه در آن کلمه و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م
عزیز است و هم نامش نوازند و نامش نوازند و نامش نوازند
دین و موصوفات آن کلمه شش و بارقه اندازم کلمه م

195